

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه - کابل

۲۸ جولای ۲۰۲۰



یونس نگاه

پیروزی چگونه اتفاق می افتد؟

بارها از خود پرسیده ایم و یا باهم بحث کرده ایم که چرا طالبان پیروز می شوند؟ مردم افغانستان چه زمان صلح خواهند یافت؟ جواب های دل خوش کن پیدا می کنیم ولی به ندرت درک روشنی از چگونگی وقوع پیروزی یا ختم جنگ به دست می آوریم. من این جا نظر تولستوی را که بیش از یکونیم قرن قبل در رمان مفصلی جنگ و صلح را تحلیل کرده بود، شریک می سازم. کسانی که این رمان را خوانده اند، می دانند که تولستوی به جبرگرائی - دیترمینیزم - باور داشت و این باورش را در کتاب جنگ و صلح به تکرار در روابط فردی، خانوادگی، اجتماعی و کشوری شرح داده است. تولستوی جبر را نیروی فراتر از اراده انسان فرد یا گروه می داند و آن نیروی فراتر را اما نه در آسمان بلکه در زمین، و حاصل جمع اتفاقات بی شماری که انسان ها می گیرند و محیط تحمیل می کند، می خواند. از نظر تولستوی ناپلئون قهرمان نیست، بلکه بازیچه دست این جبر است. در جایی ناپلئون را در مرز روسیه در میان گروه بزرگی از سربازان تشنه جنگ نشان می دهد که با چکچک و تمجید خود، اراده ناپلئون را سلب می سازند و او راهی جز حمله به روسیه نمی بیند.

جای دیگر توضیح می دهد که تلاش روس ها برای توقف پیشروی ناپلئون در واقع جنگ با خود بود. زیرا شرط شکست ناپلئون پیشروی در خاک بزرگ روسیه بود تا پراکنده شود، تا گلو در روسیه فرو رود و راه برگشت نداشته باشد. تولستوی می گوید عقب نشینی سربازان روسیه جنگ واقعی برای شکست ناپلئون بود و اگر در مرزها سربازان رزم ندیده و کم تعداد روس در برابر لشکر چندبرابر و کارکشته فرانسه می ایستاد نابود می شد. ناپلئون تفریح کرده و سرخوش شهرها و روستاها را بدون مقاومت جدی فتح کرده رفت تا عاقبت در زمستان سخت روسیه کشتی آملش غرق شد.

تولستوی می‌گوید جنگ وقتی اتفاق می‌افتد طرف‌های جنگ هر کدام چیزی را عامل اصلی می‌دانند: گروهی دسیسه انگلیس، کسانی قدرت‌طلبی ناپلئون، کسانی ظلم و ستم شاهان، عده‌ای ورشکستگی اقتصادی، کسانی غیبت خود و هم‌تایان خود در سیاست، برخی اصلاح‌طلبی و کسانی ناکامی‌های استخباراتی را دلیل جنگ می‌خوانند. اما تولستوی می‌گوید علل اتفاقات بزرگی چون جنگ و صلح چنان زیاد است که هرگونه تحقیق و تتبع ما را اغوا می‌کند.

تولستوی رهبران و شاهان را نیز مقهور می‌داند و می‌گوید: "تزار مقهور تاریخ است."

جای دیگر او از زبان کوتوزوف قومندان اعلی نیروهای روس می‌گوید: دو عامل شکست‌ناکی و وقت از هر جنگ‌آوری نیرومندتر است. او کوتوزوف را این‌گونه توصیف می‌کند: "کوتوزوف اغراض خود را {در امور جنگ} دخیل نمی‌سازد، تفکر نمی‌کند، به هیچ عملی اقدام نمی‌کند، بلکه به همه حرف‌ها گوش می‌دهد و به همه چیز توجه می‌کند، هرکس را به مقامی که شایسته آن است می‌گمارد، از هیچ عمل مفیدی جلوگیری نمی‌کند، و انجام هیچ کار زیان‌آوری را اجازه نمی‌دهد. کوتوزوف می‌داند که نیروئی مقتدرتر و مهم‌تر از اراده او وجود دارد که نیروی اجتناب‌ناپذیر حوادث است. او قدرت مشاهده حوادث و درک اهمیت آن‌ها را دارد و در نتیجه می‌تواند از مداخله در این حوادث اجتناب کند و از مخالفت جاه‌طلبانه خود با این حوادث صرف‌نظر نماید".

در زمانی که نیروهای ناپلئون چندین شهر را تصرف کرده و به سرعت به سمت مسکو در حرکت است، تولستوی کوتوزوف را در حال خواندن رمان فرانسوی و استراحت به‌تصویر می‌کشد.

فردگر ایان لیبرال به نیروی اراده فرد (اختیار) بسیار ارزش قایل‌اند. اما ماتریالیست‌های انقلابی و ایدئالیست‌های مذهبی به دیترمینیزم باور دارند. مردم ما به دلیل اعتقادات مذهبی اکثریت‌شان جبرگرایند و کمتر به تلاش انسانی در تغییر اوضاع باور دارند.

از دید تولستوی و دیگر جبرگرایان پیروزی طالبان حاصل نیروی شکست‌ناکی و وقت است. هنگامی که امریکا عزم کشتن داشت، طالبان آرام به پاکستان خزیدند، بعد کم‌کم به کمک دوستان پاکستانی و عربی و اروپایی و افغان خود اینجا و آنجا تق و توق به‌راه انداختند. بعد به تدریج هرچه نیروهای خارجی خسته‌تر می‌شد و حکومتی‌ها در جنگ تقسیم پول و چوکی فرو می‌رفتند، پیش‌تر خزیدند و جنگ‌ها جدی‌تر راه انداختند. زمانی رسید که حکومت با مردم درگیر شده بود، از درون پاشیده بود و اعتماد حامیان خارجی خود را از دست داده بود، آن‌گاه طالبان {شما بخوانید پاکستان و بنیادگرائی} جال جنگ خود را در سراسر کشور گسترده و از حکومت و مردم و غربی و شرقی، سرباز و پول و حمایت به دست آوردند.

پیروزی مردم از این منظر چگونه اتفاق خواهد افتاد؟ شکست نهائی طالبان کی آغاز خواهد شد؟ آیا آمدن طالبان و سهم‌گیری‌شان در قدرت شروع سقوط نهائی آنان خواهد بود؟ آیا شکست نهائی ملت افغانستان نیز روزی به ثمر خواهد رسید؟